

دوفصلنامه پژوهش در ادبیات کودک و نوجوان

شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

ISSN: ۲۳۸۴-۲۷۸۳

- بررسی انتقادی رابطه متن و تصویر در مجموعه یک داستان تخیلی با مفهوم قرآنی
- بررسی تطبیقی عنصر شخصیت در داستان‌های ماهی سیاه کوچولو و موش مترو بر مبنای نظریه انتخاب کلاسر
- بررسی تطبیقی ماجراهای پری دریایی و بازگشت مرداد بر اساس رویکرد بیلتنت
- بررسی فرهنگ عامه در اسلحه‌های کودکانه ایرانی
- بررسی عنصر خاک در شعر کودک و بازتاب جلوه‌های متاکرایانه آن (با رویکرد به اشعار کودکانه مصطفی رحماندوست)
- بررسی کهن الگوی سفر قهرمان در تیمیشتن دختر دلیر
- بررسی نگاه جنسیتی در داستان‌های کودکان با تکیه بر مجلات رشد نوآموز دهه ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵
- بررسی و تحلیل محتوای از روزهای سادگی اثر عرفان نظر آهاری
- تحلیل روابط متن و تصویر در کتاب‌های تصویری فریده خلعتبری
- تحلیل کارایی اقتصادی آثار فرهنگی و ادبی برای ارتقاء به کودکان و نوجوانان
- ویژگی سبکی نوشته برای کودکان در دوره مشروطه
- سونات تودیع نقد کهن الگویی از عاشقانه‌های بونس در شکم ماهی نوشته جمشید خانیان

بررسی عنصر خاک در شعر کودک و بازتاب جلوه‌های معناگرایانه آن (با رویکرد به اشعار کودکانه مصطفی رحماندوست)

حامد خاتمی‌پور^۱ و کیمیا امینی^۲

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی و هیأت علمی دانشگاه پیام نور

۲. مدیر انجمن کودک و نوجوان سیمرغ، دانش آموخته ادبیات کودک و نوجوان شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

یکی از مفاهیم بنیادی و انتزاعی در ادبیات مفهوم کیستی و چیستی خداوند و چگونگی بازتاب معنایی این مفهوم در جهان پیرامون است. طبیعت و سروده‌های شاعران شاید بارزترین ساحت تجلی نمودهای این مفهوم باشند. عناصر اربعه خاک، باد، آتش و آب جزو آفریده‌های عینی و طبیعی هستند که منشأ خلق آن‌ها به اندیشه سازنده‌ای مقتدر برمی‌گردد. خدا، تولد و مرگ، رستاخیز و ... در بازتاب‌های مختلف عناصر طبیعی جلوه‌گر هستند. این جستار به بررسی عنصر خاک در شعر کودک و بازتاب معناگرایانه آن در چند شعر از مصطفی رحماندوست، به‌عنوان شاهد، با مخاطب ۸-۱۱ ساله پرداخته شده است. اینگونه پژوهش‌ها می‌تواند در رشد معنویت، هنر و خلاقیت کودکان و در تربیت آن‌ها برای شکل‌گیری و نگرش درست‌تری از مفهوم خدا و دریافت بازتاب معناگرایانه در طبیعت مورد توجه قرار گیرد و روشی غیرمستقیم برای جذاب‌تر و کاربردی کردن مفهوم خداجویی در کودکان باشد.

واژه‌های کلیدی: خاک، شعر کودک، مفاهیم معناگرایانه، خدا، ماهیت عنصری.

مقدمه

خداوند در قرآن و دیگر کتب مقدس آسمانی، خود را با صفات جمالی، کمالی و جلالی معرفی می‌کند. وجود نامرئی که قدرت مطلق است ابتدا خود را در «بسم الله الرحمن الرحیم» به نام الله بخشنده و مهربان می‌شناساند. در بسیاری از آیات این پرده‌برداری از ماهیت و هویت او از زبان فردی یا جمعی انجام می‌شود. او خود را ذوالجلال و الاکرام، هو الله القادر و المتعال، الغفور و الرحیم، القهار و التواب و ... و گاه با صفات تقضیلی مالک یوم الدین، خالق طبیعت و آب و ... معرفی می‌کند. انسان به‌طور فطری و غریزی حس می‌کند که تنها دستاویز او خداوند است و فقط با توسل به خداست که می‌تواند برای وجود خود معنایی خوب یا بد پیدا کند (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱). این مفهوم دارای ریشه غنی و عمیق در تفکر بشریت است که تمدن‌ها، فرهنگ‌ها، آداب و ادیان مختلف متأثر از این مفهوم در تاریخ بشر به منصه ظهور رسیدند (عبدالکریمی، ۱۳۸۱: ۱۸). جاندارانگاری خداوند برای کودکان ملموس‌تر است و آن‌ها را به درک بهتر مفاهیم خداجویی نزدیک‌تر می‌کند. استفاده از نام‌ها، ضرب‌المثل‌ها، کنایات، استعاره‌ها مانند «دست خدا»، «سپه الله، امر الله، برو «دست خدا به همراهت»، «خدایست و پناهت»، «خداوند آدم را از بهشت بیرون کرد»، «مسیر خدا نورانی است» و ... کودکان براساس فطرت خداجویشان دائماً از والدین درمورد خلقت و آفرینش سؤال می‌کنند. این سؤالات به این سبب است که می‌خواهند تعبیر روشن و قانع‌کننده‌ای درمورد او و جهان آخرت پیدا کنند (به نقل از کلانتری، ۱۳۸۵).

در تاریخ کهن شعر فارسی اشعاری را می‌توان یافت که خطاب به کودکان و نوجوانان و برای استفاده آن‌ها سروده شدند، اما جریان عمومی و مستقل شعر کودک در سال‌های پس از مشروطه در ایران شکل گرفت (کاشفی خوانساری، ۱۳۸۷: ۱۳۵). کودکان مفاهیم معنوی را با ادبیات خود درک می‌کنند. پس درست است گفته شود هدف ادبیات کودک ایجاد ارتباط با کودک و لزوماً مقید به مخاطب خود است (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۴۱).

از دهه شصت میلادی محققان زیادی با نظریه‌های مختلف پیرامون خدا و تحول اعتقادی و معناگرایی تلاش کردند تا با توجه به نظریه رشد شناختی پیاژه (۱۹۲۹) بتوانند نظریات جامع‌تری در این زمینه برای درک کودکان ارائه دهند. پیاژه در مرحله سوم خود که مرحله عملیاتی عینی و شامل کودکان ۷ تا ۱۱ ساله است، معتقد است کودکان تنها بر مبنای مشاهدات خود اطراف و موضوعات را لمس و درک می‌کنند و برای درک مفهوم خدا و مسائل معنوی نیز از همین مشاهدات و استدلال‌های عینی استفاده می‌کنند. آن‌ها درک زیادی از مفاهیم انتزاعی و مجرد و غیر ملموس ندارند. از نظر روانکاوی اگر خدا به‌عنوان موجودی تصور شود که برای مداوم وجود فرد از درون محدودیت‌هایی که شخص می‌داند، نمی‌تواند در مورد خودش بر آن‌ها پیروز شود، مثل مرگ، ضروری است، پس وابستگی در مفهومی کردن خدا بازتاب خواهد یافت؛ چنین بازتاب و انعکاسی نه صرفاً در اصطلاحات عقلانی، بلکه در نگرش‌ها، حالات و احساسات که در تمام رفتار انسان تأثیر خواهند داشت، روی خواهد داد (باوکر، ۱۳۸۱: ۲۹۳).

کودک از پدر و مادر و طبیعت به‌عنوان مدلی برای درک ماهیت خدا استفاده می‌کند، چون آن‌ها قدرتمندترین مردمی هستند که کودک با آن‌ها رابطه صمیمی دارد (همیلتون، ۲۲۵ به نقل از موحد و همکار، ۱۳۸۸). کودکان انس بیشتری با طبیعت دارند. با توجه به کهن‌الگوی خلقت می‌توان برای درک بیشتر مفاهیم معناگرایانه با ریشه خداجویی در محیط اطراف به عناصر مختلفی مانند آب، باد، خاک و آتش و جلوه‌های مختلف آن‌ها توجه کرد. این عناصر در شعر بازتابی گسترده دارند. در این نوشتار به بخش بازتاب مفاهیم خدا و تجلی صفات در عنصر خاک و جلوه‌های مختلف آن با رویکرد به چند شعر مصطفی رحماندوست به‌عنوان شاهد پرداخته شده است. این اشعار برای بیش از ۱۰۰ کودک دختر و پسر دانش‌آموز بین ۸ تا ۱۱ سال خوانش شد و از آن‌ها طی دو مرحله نقاشی و تکمیل یک پرسش‌نامه خواسته شد تا آنچه از شعر درک و دریافت و احساس کردند بکشند و بنویسند. باز خورد آن‌ها نه تنها ماهیت عنصری شان را نشان داد بلکه مبین میزان ارتباط و تأثیرپذیری آن‌ها با-از شعر نیز است.

کودک و مفهوم خدا

کودکان مفهوم خدا را درک نمی‌کنند مگر با درک تجلی صفات خداوند که آن‌ها را در اطراف خود مشاهده یا درک کرده باشند. اگر از مهربانی خداوند به‌عنوان رحمان و رحیم بودن یا رثوف بودن سخن به میان آورده شود، کودک نماد عینی آن را در مهربانی مادر و پدر و اطرافیان درک می‌کند. پس اگر خداوند برای او مهربان‌تر از مادر معرفی شود. او این احساس را قوی‌تر درک می‌کند، هرچه کودک صفات مردانه یا زنانه در خداوند تصور کند، مفهوم خداوند نیز در ذهن او مردانه‌تر یا زنانه‌تر خواهد بود مانند عادل بودن،

۱. گلدمن ۱۹۶۴، الکابند ۱۹۷۰، فالور ۱۹۸۳ و اسر ۱۹۹۱ و دیگران معتقدند که تفکرات معنوی که از تصویرسازی ذهنی و اعتقادات واقعی در کودکی نشأت می‌گیرد، به مرور انتزاعی‌تر می‌شوند، تا جایی که در نوجوانی و جوانی این مفاهیم و اعتقادات مذهبی مشابه با اعتقادات و مفاهیم ارزشی-مذهبی بزرگسالان می‌شود. تکانشی در سال ۱۹۶۵ بررسی مفاهیم مهم درباره خدا را در فرانسه شکل داد. او نتیجه گرفت که رشد مفاهیم خدا در سه مرحله روی می‌دهد که مبنای آن به ترتیب اسنادی، شخصی‌سازی و درون‌سازی است. تداعی‌های کودکان این سن بیشتر جنبه شخصی‌سازی داشت، خدا ویژگی‌های پدر و مادر را به خود می‌گرفت (به نقل از اسپیکلا، هود و ... ۲۰۰۳). لارسن در سال ۱۹۶۵ با پژوهشی که روی پرسش‌های دانش‌آموزان از معلم‌ها و والدین کرد، هشت دسته پرسش اساسی با موضوع شناختی-معنایی درباره مفهوم خدا استخراج کرد که بنیاد بسیاری از تحقیقات پس از خود شد. بررسی مفهوم خدا در آثار ادبیات پاسخ‌هایی را به‌دست می‌دهد که می‌تواند با هشت مقوله زیرساختی لارسن از مفهوم خدا همسو باشد. چه کسی خدا را به‌وجود آورده است؟ (مبدأ خداوند) خداوند شبیه چیست؟ (ماهیت خداوند) چگونه می‌تواند هرکس یا چیزی را هرزمانی ببیند؟ (حضور مطلق خداوند) چرا ما نمی‌توانیم او را ببینیم؟ (ناهمی بودن خداوند) چگونه می‌تواند هرکاری که انجام می‌دهیم بداند؟ (آگاهی و علم مطلق خدا) او کجاست؟ و بهشت مکان اوست؟ (مکان خداوند) خدا کی به‌وجود آمده است؟ (زمان خداوند) آیا خدا هنوز زنده است؟ (وجود خداوند در زمان حاضر) چطور خدا هرکاری که بخواهد می‌کند؟ (قدرت مطلق خداوند). ۲. ضمن پژوهش مفصلی که درباره بازتاب تخیلی عناصر اربعه در شعر کودک (نگارنده، ۱۳۹۴) صورت گرفت، مفاهیم خدا، تولد، زندگی و مرگ، رستاخیز و مادرو پدر، حیوانات و طبیعت ... با بازتاب‌ها و جلوه‌های مختلف این عناصر به‌طور کامل بررسی شد.

قوی بودن، بزرگ بودن یا مهربان بودن، زیبا بودن و گرم بودن و ... ماهیت مادی خداوند برای کودکان ۱۲-۷ ساله همچنان باقی است و از ۱۲ سالگی به بعد شناخت غیرمادی از خدا مطرح می‌شود (همت‌یار، ۱۳۸۱). در گذشته به کودکان می‌آموختند که خداوند در آسمان‌هاست، اما چه کسی به آن‌ها یاد خواهد داد که آسمان بر روی زمین و در همه‌جاست و در اشیاء ساده هم متجلی است. نام بردن از خدا برای تجربه خدا خیلی ضروری نیست، بلکه شیوه‌های زندگی درست و مناسب می‌تواند حضور خدا را بازتاب دهد. کودک مفاهیم انتزاعی را درک می‌کند و علت آن وجود دانش نهفته کودک است، اگرچه کودکان توانایی توضیح مفاهیم انتزاعی را ندارند، اما دارای دانش نهفته‌ای درباره این مفاهیم هستند (به نقل از حاجی نصراله، ۱۳۸۴: ۲۷).

خداجویی و خداشناسی یکی از مسائل فطری بشر است، یعنی کشش به سوی شناخت خداوند یکی از احساسات ذاتی و درونی است و نیاز به استدلال ندارد. همان‌گونه حس زیبایی نیاز به استدلال ندارد.

شعر کودک و مفهوم خدا

شعر جدای از معنای ظاهری خود دارای یک معنای پنهان نیز هستند که باید پنهان و تأثیرگذار باشد. انتقال بسیاری از مفاهیم از طریق کشف رازها و گره‌گشایی آن‌ها به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه صورت می‌گیرد. کودک با واژه واژه شعر درگیر می‌شود و با توجه به آنچه از گذشته در ضمیر ناخودآگاه خود و ذهن نیمه هوشیار و هوشیارش نقش بسته است، به درک معنای آن‌ها می‌رسد. تصاویری که آن‌ها خلق می‌کنند، تجلی عناصر مختلف طبیعی است.

وقتی برای کودکان شعر یا داستانی خوانده می‌شود، ذهن آن‌ها آزادانه در میان مشاهدات خود که نوعی خاطره ذهنی برایشان شده حرکت می‌کند. بسیاری از آن‌ها به بازسازی واژگان می‌پردازند و دریافت خود را به آن انتقال می‌دهند. به‌طور مثال شنیدن واژه آب برای هر کودک تداعی از معانی مختلف را دارد. آب برای همه آن‌ها قابل لمس و مشاهده است و یک ماهیت عینی دارد، اما آنچه را در ذهن خود از این واژه بازسازی می‌کنند، با مفهومی که در ذهن شاعر و حتی در شکل آبی که در محتوای شعر است، متفاوت است. آب داخل لیوان، آب حمام، آب رودخانه، دریا و ... همه این‌ها به قدرت خاطره کودک از این واژه و تجلی عنصر آب بستگی دارد. بازتاب آن در نقاشی چیزی است که بیش از همه ذهن او را درگیر کرده یا یک تجربه لذت‌بخش و یا یک تجربه نامطلوب. کودکان از نخستین سال‌های زندگی به داستان (و شعر) علاقه‌مند هستند و قصه‌ها و شعرهای کودکان می‌توانند به مخاطب خود در شناخت خویش و جهان اطراف و بسیاری از مفاهیم انتزاعی و معنوی یاری برسانند، از این رو ادبیات بار تعلیمی گران سنگی را بر دوش می‌کشد (به نقل از دادستان، ۱۳۸۹: مقدمه)، بنابراین شعرها مانند قصه‌ها نباید تنها به منزله سرگرمی کودک در نظر گرفته شوند، بلکه باید یکی از بهترین روش‌های صحبت کردن با کودک درباره خدا و مفاهیم اعتقادی باشند.

داستان‌ها (و شعرها) در ورای ظاهر ساده، بقایای سرگرم‌کننده و خوش‌بینی بنیادی خود روایت‌های هستند که از پشت پرده به اسرار بزرگ زندگی انسان مانند تولد، مرگ، رستاخیز و دیگر مفاهیم می‌پردازند. باید در نظر داشت برای بیان مفاهیم معناگرایانه و مفهوم خداوند در شعر کودکانه نه تنها باید از فرهنگ و عقیده خود کودکان، بلکه از تمثیل‌های مناسب قابل لمس برای آن‌ها استفاده شود.

شاعر کودک نیز می‌تواند از تجلی عناصر مختلف که نمودگاه مفهوم خداست، بهره‌مند شود؛ مثلاً از صور خیالی مانند تشبیه صبر و بردباری به کوه، پاکی را به آب و ... استفاده کند.

در کنار ساختار آموزشی غیرمستقیم در درس‌ها و اشعار و قصه‌ها والدین نیز نقش به‌سزایی در نگرش و درک کودکان از مفهوم خداوند دارند. اگر آن‌ها ظرفیت، نظر و دریافت پیشین خود را نسبت به خدا تغییر دهند، در ایجاد تصویری مهربان‌تر، عادل‌تر و قوی‌تر و دیگر صفات خداوند تأثیر فراوانی در رشد معنایی کودکان دارند؛ پس شاعران با درک عینیت، احساسات و عواطف کودکان از صفات برتر می‌توانند آن‌ها را به درک الهیت خداوند و انتظارات او از بشر به‌عنوان مخلوق در آثار خود متجلی کنند.

عنصر خاک و جلوه‌های آن در شعر رحماندوست

خاک یکی از عناصر طبیعی و به نوعی مولد، موطن و بطن اولیه انسان است. هر چیزی از خاک نشأت می‌گیرد و به خاک باز می‌گردد. خاک با نمودهای مختلف و متعدد خود در طبیعت و زندگی همه موجودات جایگاه ویژه‌ای دارد. در ادامه به علت بسامد بالای جلوه‌های این عنصر در اشعار رحماندوست و مجال اندک این نوشتار فقط از هر بازتاب به یک یا دو مورد با توجه به بیشترین بازخورد و درک معنایی کودکان از مفهوم خدا و جلوه‌های صفات او آورده شده است.

جدول ۱- بازتاب تخیلی چهار عنصر در شعر دست و دانه

ماهیت عنصری	فضاسازی	حرکت و پویایی	نشانه‌ها	نام شعر: دست و دانه
خاک نگهدارنده	محدود:	تنها بودن	دست	قصه دست و دانه، دانه‌ای که تنها بود
زاینده/رشد دهنده	قصه/چشم دانه	خوابیدن	دانه	توی خاک‌ها خوابید، توی خواب شیرینش
دیگر عناصر:	بر بوته	کار کردن/دیدن	خاک	خواب میوه را می‌دید، خاک کار خود را کرد
-آب جان‌بخش/زاینده	رو به خانه	حال پرسیدن	میوه	حال دانه را پرسید
-باد ویرانگر تغییردهنده	... جای گل/دست	بوسیدن/پیچیدن	مثل مادری با مهر/چشم دانه را بوسید ...
-آتش جان‌بخش	نامحدود:	... زابیدن/قد کشیدن	خانه	دست من چه؟ دست من/میوه را گرفت و چید
زاینده (غیرمستقیم) با جلوه آفتاب	توی خاک خواب/خاک‌ها	... چیدن/فهمیدن	..گل/میوه	قصه‌ای پر از راز است/«دست و دانه» می‌فهمید

این شعر برای دانش‌آموزان خوانده شد. آن‌ها نسبت به آن واکنش‌های متفاوتی بروز دادند. تقریباً در تمام آثار ثبت شده آن‌ها به نوعی «دست و دانه» متجلی بود. دست نمادی ویژه و دوگانه (مثبت و منفی) از نگهدارندگی، یاری‌بخشی و هشداردهندگی و تنبیه است؛ هم می‌کارد و هم می‌چیند. با توجه به این شعر کودکان پرسشی واضح و رازآلود را پرسیدند: اولین دانه را چه کسی کاشته است؟

بازتاب عناصر طبیعی با توجه به مفهوم خدا و دیگر مفاهیم اعتقادی (در شعر رحماندوست)

شاعر اغلب نمی‌داند مفهوم خداوند و مسائل معنوی را ناخواسته و با توجه به بعد اعتقادی ذهنی و پیشینه دریافت‌هایش از خداوند به شعر خود وارد کرده است (در مورد شعر کوششی کمی متفاوت است).

رحماندوست هم شاعر جوششی است هم کوششی، اما بیشتر مفاهیم انتزاعی و معنایی در شعر او جوششی هستند، با زیرساخت اعتقادات متحول شده ذهنی‌اش. در اشعار او عناصر اربعه و بازتاب‌های مختلف و خلاقانه آن‌ها نمود فراوانی دارد و بیشتر از همه توجه شعری او به عنصر خاک و نمودهای آن است که تجلی صفات خداوند و مفاهیمی چون مرگ، تولد، رستاخیز و ... گرچه نقش کمتری دارند، اما تأثیر فراوانی در بازتاب اعتقادات کودکان در آثارشان داشت.

رحماندوست در مجموعه شعری با عنوان بازی با انگشتان از «دست» بهره می‌برد و بسیاری از جلوه‌های عناصر اربعه (خاک، باد، آب، آتش) را به کار می‌گیرد تا اندیشه و هدف قصه‌بازی خود را نشان دهد. هدف او از اشعار پنج انگشت خانواده است. در یکی از این شعر-بازی‌های خردسالانه به موضوع کهن الگوی «مرگ و زندگی دوباره» (انا لله وانا الیه راجعون) اشاره می‌کند.

جدول ۲- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر یک گل و پنج گلبرگ

ماهیت عنصری	فضاسازی	حرکت و پویایی	نشانه‌ها	نام شعر: پنج گلبرگ
خاک تغییر کننده	محدود:	بردن	گلبرگ	اولی را باد برد
نابود شونده/	انگشتان دست	خوردن	باد	دومی رو بزى خورد/سومی پژمرده شد
زاینده و بالنده	کنار آب	پژمرده شدن	بزی	چهارمی پیر شد و مرد
	و دانه	پیر شدن	پژمرده	پنجمی گفت من می‌مونم
دیگر عناصر:	رفیق بلبل	مردن	پیر/راه	راهش رو هم خوب می‌دونم
-باد ویرانگر	یک بوته	گفتن/ماندن	خاک/آب	..
باد آرام‌بخش	نامحدود:	دانستن/رفتن	دانه/ریشه	گل می‌شم/خوشبو می‌شم
(با رفاقت بلبل)	راه	شدن	جوانه/بوته	رفیق بلبل می‌شم
-آب جان‌بخش	تو خاک	جوانه زدن	گل/بلبل	

رستاخیز طبیعت و گردونه تولد و مرگ در این شعر (قصه-بازی) با ماهیت خاک نشان داده شده است. گیاهان و نباتات (مولود زمین) از جلوه‌های عمیق و اصلی عنصر خاک در ناخودآگاه بشر برخلاف خشونت و ویرانگری طبیعت حیوانی همیشه اصل پاک، نیک و مثبت ذهن را دربردارند و نماد زاینده‌گی، رشد و تبلور اندیشه‌اند. مفهوم خدا در اشعار او اغلب به صورت مستقیم با پرسشی نقادانه به صورت دعایی، خواهش، تشکر، شمارش نعمت‌ها و ... مشاهده می‌شود، اما پاسخی به پرسش همیشگی همه کودکان که "خدا کیست و یا چیست؟" داده نشده است. شاعر رضایت خدای خیالی و گاه ترسناک را در اطاعت محض و انجام کارهای نیک به تصویر می‌کشد:

«پدرم گفت برو گفتم چشم/مادرم گفت بیا گفتم چشم/هرچه گفتند به من با لبخند/گوش کردم همه را گفتم چشم/پدرم گفت تو خوبی پسر/مادرم گفت از او بهتر نیست/آسمان خنده به رویم زد و گفت/پسر من از تو خدا هم راضی است.» (رحماندوست/ گل لبخند و سلام).

رستاخیز؛ این مفهوم با توجه به دوباره‌زایی طبیعت و گذر فصل‌ها مورد توجه است. رحماندوست فقط در شعر بهار قیامت هم‌زمان به موضوع برزخ طبیعت و انسان‌ها می‌پردازد.

مرگ؛ این مفهوم اما اصلاً نیست و تنها در دو سه مورد شعر گروه ج وجود دارد، البته با مقوله شهادت (مرگ افتخار آفرین و زنده ماندن شهید) و به صورت غیرمستقیم مرگ مادر (در شعر پرستار). کاموسی معتقد است: «در زمینه ادبیات کودک و نوجوان و در حوزه پرداختن به پرسش‌های بنیادین مثل خدا، معاد و مرگ نه آثار برجسته‌ای داریم و نه پژوهش‌های خیلی برجسته‌ای که بخواند به نویسندگان راه و چاه نشان دهد.» (۱۳۸۴، ۱۲۹)

عنصر خاک و بازتاب و جلوه‌های مختلف آن

خاک همانند مفهوم خدا که چند بعدی است، عنصری چندگانه با برون داد جلوه‌های مختلف خود و در اکثر موارد با رویکرد مثبت و مفید بالندگی و پاک‌کنندگی و تغییردهندگی طبیعت است. در مواردی اندک مانند زمین خشک/خشکسالی/انراش، بی‌حاصلی، زلزله و ... دارای ماهیت عنصری منفی با رویکرد کیفی ویرانگری و عذاب است. به برخی از بازتاب‌های تخیلی خاک با جلوه‌های مختلف آن در شعر او با رویکرد به مفهوم خدا و تجلی آن به اختصار پرداخته شده است:

خاک مفید و زندگی بخش (با بازتاب نگهدارنده/زاینده/بالنده) مفهوم زندگی بخشی خداوند

خاک مفید با ماهیت نگهدارنده، زاینده و بالنده در شعر رحماندوست جایگاه ویژه‌ای دارد. او به هرآنچه از دل خاک بیرون می‌آید و باعث رفاه و شادی دیگر موجودات می‌شود نگاه تقدسی دارد.

- با جلوه زمین در معنای حاصل‌خیزی

در شعر تاپ‌تاپ خمیر چهار عنصر هم به‌طور مستقیم و هم غیرمستقیم حضور دارند، اما عنصر غالب خاک با جلوه زمین است.

جدول ۳- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر تاپ‌تاپ خمیر

ماهیت عنصری	فضاسازی	حرکت و پویایی	نشانه‌ها	نام شعر: تاپ‌تاپ خمیر
خاک نگهدارنده	محدود:	کاشتن	دونه	دونه رو بکار// تو دل زمین
رشد دهنده/	توی آسیاب	چیدن	زمین	خوشه به خوشه// گندمو بچین
تبدیل شونده	تنور	آرد کردن	گندم	گندمو آرد کن// توی آسیاب
دیگر عناصر:	نامحدود:	خمیر کردن	آرد آسیاب	آرد و خمیر کن// به کمک آب
-آب گرداننده	دل زمین	گرفتن	خمیر/چونه/آب	خمیر و بگیر// چونه به چونه
تغییردهنده		واکردن	آتش/تنور	چونه رو واکن// دونه به دونه
-آتش پزنده		خوردن	نون/پنیر	آتش و تنور// تاپ‌تاپ خمیر
				نون داغ داغ// بخور با پنیر

دانش‌آموزان پس از شنیدن این شعر دهانشان آب افتاد (نان و پنیر). نقاشی‌های آن‌ها سرشار از نان و پنیر و تنور و زمین و دانه و خوشه‌های رنگین گندم و آفتاب و ... بود. چند نفر از دانش‌آموزان واکنش‌های متفاوتی داشتند: سه نفر فضایی بهاری در نقاشی خود کشیدند، بدون ردپایی از نان و ... یکی آتش را در جنگل کشیده بود و در جمله خود نوشته بود، با آتش نان نپزید، جنگل می‌میرد. آنچه جالب بود این بود که یکی از دانش‌آموزان دختر خیلی جدی گفت: «الان که تاپ‌تاپ خمیر نمی‌کنند و آسیابی در کار نیست.» (تفکر انتقادی) او سطح صافی کشید که نان‌هایی روی آن حرکت می‌کردند. (نوعی تفکر خلاق نسبت به واژگان شعر) و کودکی دیگر همان سوال بنیادی را پرسیده بود اولین نان را چه کسی پخته است؟

- با جلوه گیاه (درخت/غنچه/گل/سبزه و...)

شعر نوبت غنچه یکی از شعرهای آموزشی رحماندوست است. او شمارش اعداد هفته را به کودکان می‌آموزد. ماهیت عنصری این شعر خاک زاینده است، با بازتاب جلوه‌های مختلف آن.

جدول ۴- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر نوبت غنچه

ماهیت عنصری	فضاسازی	حرکت و پویایی	نشانه‌ها	نام شعر: نوبت غنچه
خاک زندگی بخش	محدود:	کاشتن	دانه	به یک، دانه به دانه/ که کاشتی توی گلدان
نگهدارنده/زاینده	توی گلدان	سرزدن	گلدان	به دو، دوستی دانه// با نم‌های باران
دیگر عناصر:	آن خاک	درآمدن	نم نم	به سه، سر زد از آن خاک
-آب زاینده	سرش	جان داشتن	باران	چهار هفته پس از این//
روشن و جاری	نامحدود:	بخشیدن/دانه خشک	به هفت، هفته به هفته/ درآمد گل خورشید
-آتش جان‌بخش	قصه	رسیدن	گل ناز نگو، قصه دراز است// سرش، دانه خشک است// و
آسمانی	راز	بودن		آخر، گل ناز است

این شعر بیش از آن که دانش‌آموزان را به فکر وادارد، به تحرک، رقص و دست زدن و حتی زمزمه‌هایی ملایم واداشت. ریتم آن با نم‌نم باران هماهنگ و تأثیر آن در تصاویر آنان کاملاً مشهود بود ... کودکی تصویری عجیبی را کشید؛ تعدادی ابر در آسمان که روی آن یک دانه کنار یک قطره بود و گل‌هایی که از آسمان به زیر می‌آمدند، او در جمله خود نوشته بود: اون بالا دانه و قطره با هم دوست

می‌شوند و آسمان به جای ستاره گل میاره. هنوز هم نمی‌دانیم چه چیز کودک را به چنین تفکر خلاقانه‌ای واداشته است، مگر همان بازتاب تخیلی عنصر غالب او یعنی باد که فضای زاینده‌گی و تولد به دست او انجام می‌گیرد. یکی از دانش‌آموزان بدون هیچ پیش‌فرض دیداری یا شنیداری گل را بر روی لباس یک دختر کشید و این تصویر با تمام تصاویر مربوط به شعر متفاوت بود (تفکر خلاقانه) ... دانش‌آموز دختری که مورد خاصی در رابطه با عناصر اربعه بود، یک دختر را نشان داد که گلی می‌چید و تیغ در دستش فرو رفته بود و گریه می‌کرد. (ماهیت کیفی خاک) و یک دانش‌آموز دیگر دختر گل فضایی کشیده بود. گل او رنگ‌های خاص داشت و بالای ابرها قرار گرفته بود و در جمله خود نوشته بود: «روح گل که بالای ابرهاست و نمی‌خواد به زمین بیاد» (تفکر خلاقانه و ریشه در ذات کهن الگوی حیات) مفهوم خدا در ذهن کودک.

- با جلوه درخت (دانه-زندگی بخش/نشاط‌آور)

شعر صد دانه یاقوت، که باعث شهرت رحماندوست نیز شد، بیانگر ماهیت عنصری شاعر با بازتاب درخت انار است. انار میوه مقدس و زنانه است که از بهشت آمده و او دلیل این انتخاب را چنین می‌گوید: «انار میوه‌ای مقدس است و نام آن در همه جا هست. در دوره جنگ گران و نایاب بود و زمانی که بین رزمندگان میوه و ... بخش می‌کردند، من آن را برداشتم و به یاد گردنبندهای یاقوت مادر بزرگم اوایل شعر را سرودم، سپس مجروح شدم و در طی همین ماجرا شعر انار کامل شد و...» جالب اینکه شاعر در ناخودآگاه خود به دنبال یک مامن و حامی است که از عالمی فراواقعی بیاید و او را نگهداری کند. انار بازتاب تخیلی این اندیشه کهن الگویی است.

جدول ۵- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر صد دانه یاقوت

ماهیت عنصری	فضا سازی	تحرك و پویایی	نشانه‌ها	شعر: صد دانه یاقوت
خاک پالنده	محدود:	نشستن	صد دانه یاقوت	صد دانه یاقوت/دسته به دسته
با جلوه انار	صد دانه	بودن	دسته به دسته	با نظم و ترتیب
....	دسته به دسته	درسینه داشتن	نظم/ترتیب	یک جا نشسته
پوشش	... هم آبدار	پیچیدن	... پوشش نرم	هر دانه‌ای هست
دیگر عناصر:	نامحدود:	انار بودن	پروردگار	... نامش انار است
آب حیات بخش	هر دانه	ترش بودن	نام	هم ترش و شیرین
با جلوه آبدار	یاقوت‌ها	شیرین بودن	انار/آبدار	هم آبدار است

این شعر را نیمی از دانش‌آموزان دسته جمعی هم‌خوانی کردند و از آن لذت بردند. تقریباً در همه تصاویر انار پیدا می‌شد. یک دانش‌آموز پسر به‌جای انار، سیب کشید. او انار دوست نداشت (تفکر انتقادی). یک دانش‌آموز دیگر درختی کشید که همه میوه‌ها در آن بود و انار هم (درخت بهشتی-ذات کهن الگویی درخت مثالی). دختری پرسید: «مگر درخت قلب دارد؟» (تفکر واقع‌گرا) و دانش‌آموز دختری بهشت را کشید که در آن دانه‌های انار ریخته بود و پرندگان می‌خوردند (تفکر خلاقانه-بهشت مثالی). مفهوم خدا در تجلی بهشت نامرئی-ذهنی.

- با جلوه بهار و درخت و پرستو

پرستو پرنده‌ای بشارت‌دهنده است و از جلوه‌های باد و در پیوند خاک زندگی بخش و بهاری است. در اغلب بهاریه‌های رحماندوست رد پای پرندگان بشارت‌دهنده هست.

جدول ۶- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر بهار

ماهیت عنصری	فضاسازی	حرکت و پویایی	نشانه‌ها	شعر: بهار
خاک بشارت‌دهنده و هشداردهنده/زاینده/ شادی‌آور/زندگی‌بخش گل/بازار/درخت/جوانه/ شکوفه/دانه/ شاخه/آشیانه/باغ دیگر عناصر: باد بشارت‌دهنده با جلوه پرستو آب کیفی با جلوه برف و سرما	محدود: گل (با تعداد آن) بازار درخت/شبانه برسروش دانه دانه ... نامحدود: خبرها/هرچه	آمدن گفتن خدا نگهدار بودن جوانه زدن خبر کردن بستن ساختن غوغا داشتن خوب و زیبا بودن	خبر گل/برف سرما جوانه زدن درخت/شکوفه .../باغ بهار	خبر خبر خبردار گل آمده به بازار یکی، دو تا، نه، ده تا نه ده، نه صد، چه بسیار به برف و سرما گفته برو خدا نگهدار خبر خبر شبانه//درخت زده جوانه ... که هرچه هست، زیباست خلاصه خبرها//بهار خوب و زیباست

دانش‌آموزان نقاشی کشیدن را دوست دارند، زیرا در آنجا بدون هیچ مانعی می‌توانند آنچه در تخیل خود دارند را بروز دهند. همه گمان می‌برند شعرهای شاد و بهاری همه را به وجد می‌آورد، اما در این پژوهش مشاهده شد تعدادی واکنش‌های متفاوت کاملاً متغییر با اندیشه و هدف شاعر از خود نشان دادند. دانش‌آموزانی که اصلاً اعداد را دوست ندارند، علاقه به بهار نداشته و از برخی تصاویر اندوهگین می‌شوند. به‌طور مثال چند نفر اصلاً پرندگان را دوست ندارند و نسبت به آن در شعر واکنش منفی نشان دادند. تعدادی دارای روح پرسشگری هستند و تا پاسخ خود را نسبت به سؤالشان دریافت نکنند نقاشی نمی‌کشند. یکی درباره کوچ پرستو پرسید، اما پس از قانع شدن از ماهیت آن در تصویر خود یک قناری در قفس کشید. دلیل چنین واکنش‌ها و برون‌دادهایی بی‌شک به ماهیت تخیلی آن‌ها بازمی‌گردد که در جای خود نیاز به بررسی بیشتری است. یکی از دانش‌آموزان خدایی را کشید که از بالای ابرها شکوفه می‌ریزد (تجلی مفهوم خدا که همه چیز به دست اوست).

- با جلوه خانواده

دو شخصیت مادر و پدر پس از آیین همسری تشکیل خانواده می‌دهند و جهت تکمیل مفهوم خانه و خانواده دارای فرزند می‌شوند. ماهیت دوست داشتن، مهربانی، یاری کردن، امنیت، آرامش درونی و بیرونی داشتن، حفاظت و... از بازتاب‌های این اجتماع کوچک است. تمام اعضای داخلی خانواده (مأمّن) بازتاب عنصر خاک هستند، زیرا به نوعی با کهن‌الگوی زاینده‌گی، بالندگی و... آن در ارتباطند. تعداد شعرهای رحماندوست در بازتاب تخیلی خاک با جلوه خانواده قابل تأمل است.

جدول ۷- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر خانه بازی

ماهیت عنصری	فضاسازی	حرکت و پویایی	نشانه‌ها	نام شعر: خانه بازی
خاک زاینده/ نگهدارنده (غیرمستقیم) مادر/دختر/گل و گلدان دیگر عناصر: باد عروجی پروانه آتش روشنی‌بخش شمع آب زندگی‌بخش	محدود: یک دخترک ... یک بوسه شامی آن وقت نامحدود: چهار	شدن بودن ... آوردن پرسیدن خوردن و خوابیدن (لالا کن)	مادر بابا .../کمد/مامان زنگ در/بازار آب/گلدان چادر مشکی	مینا تو بشو مادر/مهدی تو بشو بابا من دخترتان باشم/یک دخترک زیبا این گوشه اتاق ما/شمع و گل و پروانه آن چادر مشکی هم/دیوار و در خانه ...وقتی که تو برگشتی/بنشین و بگو: «مینا یک چای برای من/بردار و بیا اینجا» ...یک بوسه بگیر از من/آبی بده گلدان را شامی بخور و آن وقت آرام بکن لالا

این شعر دانش‌آموزان را به وجد آورد و نقاشی‌های آنان سرشار از ماهیت درونی و واکنش عنصری بود، اما چند نفر از دانش‌آموزان تک فرزند بودند و یا دو خواهر و یا دو برادر که این برون‌داد متفاوتی را نشان داد. آرزوها و تخیلات رویایی آن‌ها جذاب‌ترین بخش نقاشی‌ها بود. دانش‌آموزی کادویی کشیده بود و آن را به مادرش می‌داد که در آن یک کودک بود (تفکر خلاقانه). پسری اصلاً خواهر و برادر دوست نداشت، چون می‌دانست اسباب بازی‌های او خراب خواهند شد (تفکر انتقادی/واکنش دفاعی به جدایی از والدین) و کودکی از خداوند گله داشت که چرا خواهرش را که خیلی اذیت می‌کند، به خاله‌اش نداده است (مفهوم قادر بودن و خالق بودن خداوند در ذهن کودک).

- با جلوه مادر

مادر نماد زندگی، امید، آرامش، باروری و ... است. هرآنچه در جهان این خصوصیات را داشته باشد، به‌عنوان مادر خوانده می‌شود. ماه نماد امیدبخشی مادرانه است و البته فروغ آن از خورشید، عنصر آتش و مردانه، است، زیرا زن بالقوه دارای خصوصیات مادرانه است و در کنار مرد آن را فعلیت می‌بخشد. در شعر دهه‌های گذشته رحماندوست مادر حضوری پررنگ‌تر دارد و کم‌کم شعرها پدراثرتر می‌شوند. در متون و اعتقادات کهن خورشید و آسمان نماد پدر است. هردو جلوه خداوندند، اما در جلوه عنصری هر پسر و دختر از بطن مادری متولد می‌شوند و هرچه روییدنی است به عنصر خاک باز می‌گردد. جالب اینکه رحماندوست خاک را «مادر مقدس» خود و خود را زاده آن می‌نامد.

جدول ۸- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر گل و گلدون

نام شعر: گل و گلدون	نشانه‌ها	حرکت و پویایی	فضاسازی	ماهیت عنصری
گریه نمی‌کنم دیگه	گریه	گریه کردن	محدود:	خاک نگهدارنده
مامان برام گل میخوره	مامان	خریدن	گلدان	زندگی‌بخش
می‌خنده گل، با خنده‌هاش	گل	خندیدن	تو گلدان	با جلوه
چه‌چه بلبل میخوره	خنده	خسته شدن	مامان... گلدان
گل آگه خسته شد، مامان	چه‌چه	... جان گرفتن	کنار ما	دیگر عناصر:
... با هم می‌خندیم: ها ها ها	پر کشیدن	نامحدود:	-آب جان‌بخش
پروانه‌ها پر می‌کشن	پر	آمدن	دوباره	با جلوه تشنگی/آبیاش/
می‌آن کنار ما دو تا	ما		پروانه‌ها	-باد نشاط‌بخش با جلوه پروانه

شعر «گل و گلدون» شعری عاطفی است. دانش‌آموزان تأثر و بغض و شادی خود را در انتخاب واژگان کلیدی و تصاویر جمله‌های زیبایی‌شان نشان دادند و این ارتباط خوبی با شعر است. در اکثر تصاویر آن‌ها گل و گلدان و آب و آبیاش و مادر به نوعی بروز داده شد. فقط چند دانش‌آموز دارای ماهیت عنصری متفاوتی بودند. دو نفر از آن‌ها به‌جای مادر از تصویر پدر استفاده کردند. یک دانش‌آموز پسر اصلاً تصویر بخشش و عطوفت نسبت به گل‌ها را نکشید، بلکه او گل (سرخ) را کشید که تیغ دارد (جلوه کیفی خاک). پسری دیگر خود را در کنار مادر کشید که دست او را گرفته است و هیچ اشاره‌ای به گل و ... نداشت. دختری ۹ ساله‌ای بازتاب تخیلی عجیبی از خود نشان داد؛ او تصویر یک گل را در دل زمین کشیده بود که رودی از روی آن عبور می‌کرد (تفکری خلاق). در تصویر یکی از دانش‌آموزان گل در آسمان کشیده شده بود. او در جمله خود نوشته بود: پرنده‌ها و گل‌ها را نباید در قفس بگذاریم که خشک شوند (بازتاب عنصر باد/تفکر خلاق). یکی از دانش‌آموزان با شهامت و اطمینان گفت: «من هیچ وقت برای چیزی گریه نمی‌کنم، چون خودم می‌توانم به گلم آب بدهم.» (تفکر انتقادی)

- با جلوه پدر (گرمابخش/زندگی‌بخش)

در تمام شهرهای پدرانۀ رحماندوست زمان حضور او شب است و باعث نوربخشی و گرمادهی به مأمن خانه می‌شود. شادی، نان و میوه و... می‌آورد. او تأمین‌کننده و زندگی‌بخش است.

جدول ۹- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر بوسه داغ و لبخند

نام شعر: بوسه داغ و لبخند	نشانه‌ها	حرکت و پویایی	فضاسازی	ماهیت عنصری
شب شد و باز دوباره	شب/ستاره	شب شدن	محدود:	خاک نگهدارند
پیدا شده ستاره	ماه/روز	پیداشدن	ماه	شادی‌بخش
ماه دوباره تابیده	خواب	تاییدن	با جلوه
روز چی شده؟ خوابیدهسلام/خسته	..پریدن	بوسه داغ	بابا/ستاره/ماه/خانه... دیگر عناصر:
تق تق تق، تقانه	بوسه/لبخند	فرمودن (آمدن)	دو دست ...	-باد پویا و حرکت
بابا آمد به خانه	عطر/شکوفه/قند	نیودن	نامحدود:	بخش (معنایی) با جلوه/با/عطر/صدا/خواب
..پاکت و کیف و بسته	دست/پاکت	بوسیدن	شب	-آتش (معنایی) گرمابخش
سیب و انار، گلابی	کیف/بسته	آوردن (پنهان)	ستاره	با جلوه دست گرم/بوسه داغ
شب شده سبز و آبی	... گلابی شب		روز	

در بازتاب عنصری اشعار پدرانۀ واکنش‌های دانش‌آموزان متفاوت بود. چند دانش‌آموز به‌خاطر نداشتن پدر (دلایل خود) دوست نداشتند چهره‌ای از پدر را ترسیم کنند. یکی از آن‌ها پدر را به شکل موجودی شاخدار کشید (واکنش خانوادگی/خشم/بعد کيفری خاک). یکی از آن‌ها به‌جای پدر، مادر کشید و گفت مامانم هرروز نان می‌خرد (تفکر انتقادی). دانش‌آموز پسری که اتفاقاً تصویری از پدر خود نداشت، او را بسیار کامل همراه مادرش کشید که خودش در بین آن دو نفر و دست در دستان آن‌ها بود. خورشید و ماه در وسط آسمانی پرستاره بودند (نیاز قلبی به خانه و خانواده). او هرگز نمی‌دانست تفسیر روانشناسانه خورشید در نقاشی او حضور پدر است. در دنیای تخیلی کودک پدر و مادر در کنار هم و در آسمان ذهن او حضور دارند (بازتاب عنصر خاک با تمام وجود و ماهیت تمایل به مکانی امن و درونی). یکی پرسید: بوسه داغ و دست گرم را چطور بکشم؟ یعنی آتش داشته باشد؟ (تفکر انتقادی). یکی هیچ ارتباط ظاهری با این شعر برقرار نکرد. او منظره‌ای بهاری کشید بدون حضور خودش و پدر، اما در نقاشی او خانه (سرپناه)، درخت (مادر)، خورشید (پدر)، گل‌ها (فرزندان) و جالب اینکه در تصویر این کودک چند شاخه گیاه شبیه به گندم نیز بود (تفکری خلاق با برون‌داد عنصر خاک). مفهوم خدا در بازتاب‌های عینی از پدر و رفتار او.

خاک دوگانه (نابودکننده/سازنده، هشداردهنده/بشارت‌دهنده)

خاک در برخی از اشعار با دو ماهیت مثبت و منفی متجلی می‌شود، خاک سرد و نابودکننده زمستانی و خاک گرم و زندگی‌بخش بهاری (خاک هشداردهنده و خاک بشارت‌دهنده) وقتی طبیعت آسیب می‌بیند، بی‌شک هشداردهنده می‌گردد؛ یعنی علامت خطری برای انسان می‌فرستد و هوشیاری انسان نسبت به دریافت آن نشانه می‌تواند در دور شدن و یا نزدیک شدن نتیجه کيفری آن مؤثر باشد.

- با جلوه گیاه، دانه و ریشه (زمستان و بهار)

زمستان گرچه بازتاب کيفری (ویرانگری) عنصر آب است که پیغام هشدار آن را قبلاً باد پاییزی اعلام کرده است، اما خاک در پیوند با آب دارای چنین واکنشی است و طبیعت سرد و یخ‌زده نتیجه ماهیت کيفری دوگانه این دو عنصر است و در ماهیت دیگر مزده بهار دادن است، یعنی هم ویرانگری و هم زندگی‌بخشی.

جدول ۱۰- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر مژده فصل بهار

ماهیت عنصری	فضاسازی	حرکت و پویایی	نشانه‌ها	نام شعر: مژده فصل بهار
خاک و ویرانگر خاک سرد خاک زندگی‌بخش رسیدن بهار دیگر عناصر: - آب و ویرانگر/بخ‌زدگی - آب هشداردهنده (معنایی) گریه	محدود: فصل زمستان خانه تاریک دل خاک دو ... و بخ فصل بهار نامحدود: انتظار	گفتن شدن بخ زدن ویران شدن پرشان شدن گفتن/گریه نکردن انتظار کشیدن مژده دادن	دانه ریشه زمستان خانه/بخ‌زده ویران‌شده دل/خاک سرد گریه ... بهار	دانه به یک ریشه گفت: فصل زمستان شده/خانه تاریک من بخ‌زده ویران شده در دل این خاک سرد دلم پریشان شده ریشه به آن دانه گفت: «گریه نکن زار زار ... مژده فصل بهار

بیشتر دانش‌آموزان فصل بهار را دوست دارند و دلایل خودشان را بیان می‌کنند و البته زمستان را نیز به‌خاطر نشاط کودکانه، برف بازی و گرما و شب یلدا و ... دوست دارند. در ماهیت عنصری خود این علاقه‌های اکتسابی بازخورد چندانی ندارد. یک دانش‌آموز درختان میوه داخل یک باغ (محصور شده) را کشید. جالب اینکه یکی از دانش‌آموزان پرسید: مگر دانه نمی‌دانست که باید در زمستان بخواهد؟ (تفکر خلاقانه و انتقادی) و برای دانه خود بالشت و پتو کشیده بود که در خوابش یک گل خندان است. تا چه حد کودکان از سرما هراس دارند و این هراس به آن‌ها منتقل می‌شود را می‌توان در واکنش‌های تصویری آنان مشاهده کرد. اغلب در فضای بخ‌بسته و زمستانی خود حضور نداشتند و اگر بودند، حامی بزرگ‌تری مثل مادر، پدر و یا حتی یک حیوان که در نقاشی اتفاقاً از آن‌ها بزرگ‌تر بود، حضور داشت (به دور از توجه به نمادگونی هر کدام از شکل‌ها).

- با جلوه گیاه/غنچه و درخت

در شعرهای مناسبی و آموزشی رحماندوست که تقریباً تمام شعرهای او را در برمی‌گیرد. در این شعر رحماندوست بسیار تلاش دارد تا فضایی سرشار از شادی را برای کودکان تجسم ببخشد.

جدول ۱۱- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر روز خوب پیروزی

ماهیت عنصری	فضا سازی	حرکت پویایی	نشانه‌ها	نام شعر: روز خوب پیروزی
خاک دوگانه زندگی‌بخش/روینده/ شادی‌بخش/بشارت‌دهنده - نابودکننده: درخت خشکیده دیگر عناصر: آب دوگانه - ویرانگر و کیفی: زمستان - هشداردهنده: تشنگی/گریه/هوا آب زندگی‌بخش/ نشاط‌آور: آب شیرین چشمه	محدود: مثل غنچه درهوا بهمن بر درخت ...در زمستان چون بهار ایران نامحدود: سرزمین لاله‌زار	غنچه بودن روییدن آب بودن دیدن زمستان بودن بهار بودن لاله‌زار بودن خندیدن گریه کردن پیروز شدن	غنچه روز/هوا/بهمن درخت خشکیده آب/چشمه مرد/تشنه غمگین/زمستان سرزمین/ایران لاله‌زار خنده و گریه/دشمن خوب	مثل غنچه بود آن روز غنچه‌ای که روییده در هوای بهمن ماه ...چون بهار بود آن روز سرزمین ما «ایران» لاله‌زار بود آن روز روز خنده ما بود روز گریه دشمن روز خوب پیروزی بیست‌ودوم بهمن

بیشتر دانش‌آموزان ارتباط بسیار خوبی با این شعر برقرار کردند. آن‌ها جشن را دوست دارند. خواهان خندیدن هستند و از بهار لذت می‌برند. چهره زنان و مردان زیادی که شاید پدران و مادرانشان بودند در کنارشان نقش بست، اما در بازتاب تخیلی خود

جلوه‌هایی خاص را به نمایش گذاشتند. سه نفر از دانش‌آموزان پسر تصویری از جنگ و تفنگ کشیدند (واکنش منفی نسبت به شعر). آن‌ها تقریباً شناخت زیادی با مناسبت ۲۲ بهمن و ماجراهای آن نداشتند. یکی از دانش‌آموزان دختر تصویری بهاری کشید که در آن شیرینی می‌خورد. دانش‌آموز دیگر آسمانی ابری و تصویری زمستانی کشید که البته درخت در آن شکوفه داشت. یک دانش‌آموز پسر فقط یک پرند کشید بر روی شاخه‌ای خشک (بازتاب عنصر باد و خاک). دختری به دور از محتوای شعر دختری با دامن گل‌دار کشید که گل‌های روی پیراهنش لاله بود و یک خورشید در وسط نقاشی خود (آتش و خاک). یکی از دانش‌آموزان پسر تصویر خود را با مداد قهوه‌ای خط‌خطی کرد و نوشت: من از جنگ بدم می‌آید (تفکر انتقادی)، او به دور از فضای شادی‌آوری که رحماندوست سعی داشته در جریان پیروزی انقلاب برای دانش‌آموزان بسازد، تنها واژه دشمن را می‌شنود و در دنیای تخیلی او چه اتفاقاتی تعاد می‌گردد که از او چنین واکنش و تصویری بازتابیده می‌شود؟ او از گریه دشمن هم به شدت ناراحت است (روح صلح‌طلب/بزرگ‌تر از حد سن او).

- با جلوه درخت (هشداردهنده/بشارت‌دهنده)

رحماندوست در شعر درخت شاخه‌های شکسته را می‌بیند و آن را علامت خوبی نمی‌داند. او حالت دفاعی و خواهشمندانه مویه کردن کودکان را راهی برای جلوگیری از خشم طبیعت تصور می‌کند - کودکان معصومند و دعایشان مستجاب می‌شود- و به درخت وعده می‌دهد، اگر آن‌ها را ترک نکنند (جان‌درداری). حتماً آب و باد به یاری او خواهند آمد و زندگی جدیدی را از سر خواهد گرفت. عناصر اربعه در این شعر با ماهیت شفابخشی بازتاب دارند. رحماندوست باغی داشته که به‌خاطر خشکسالی در حال نابودی بوده است، او از مرگ درختان (رفتن) آن به شدت غصه می‌خورد. در هیچ شعر دیگری از او این تصویر آندگین وجود ندارد. در این شعر خاک در دو حالت مرگ و یا رفتن درخت (ویرانگری) و بازگشت (زندگی دوباره) به کهن الگوی تولد و مرگ و بازتولد طبیعت (رستاخیز حیات) بازمی‌گردد.

جدول ۱۲- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر درخت

نام شعر: درخت	نشانه‌ها	حرکت و پویایی	فضاسازی	ماهیت عنصری
لی‌لی‌لی‌لی‌لی‌های‌های‌گریه کنیم	رفیق	گریه کردن	محدود:	خاک هشداردهنده
وای‌وای‌گریه چرا؟ چونکه	شاخه	مریض بودن	شاخه سبز	شکستگی شاخه درخت
رفیق ناز ما مریض است	درخت	شکسته شدن	پارسال	-خاک زندگی بخش
دوست تمام بچه‌ها	باد	سایه داشتن	سایه‌ای	بشارت‌دهنده
دست و بالش شکسته	هم‌بازیرفیق ناز	(بالندگی درخت)
... نرو، تو شهر ما بمان	سایه/باران	آب خوردن	نامحدود:	دیگر عناصر: آب زندگی بخش
باران میاد/آب می‌خوری	آب/تاب	تاب خوردن	باد	روشن و جاری
باد که بیاد/تاب می‌خوری				باد مفید نشاط‌آور/زندگی بخش

شعر در بازتاب تخیلی کودکان درختی غمگین و شاخه شکسته را نشان می‌دهد که بچه‌های بدان را اذیت کرده‌اند. (چرا بچه‌های بد؟) چند دانش‌آموز ظرف آبی در دست دارند و به درخت آب می‌دهند (شفادهدنگی و زندگی بخشی). جوانه‌ای کوچک روی یک شاخه است (زاینده‌گی) دو نفر از دانش‌آموزان درخت را شاداب و بهاری کشیده و ابر و باد و خورشید در آسمان هستند و ریشه درخت قوی در دل خاک پیدااست (امید به پیدایشی نو و یا ترس از کیفر؟)، در هر صورت عنصر خاک با جلوه درخت در آثار دانش‌آموزان هویدا بود. یک دانش‌آموز فقط کودکی را کشیده بود که پایش شکسته است و مادرش به او آب می‌دهد. تفکر خلاق و اشتراک جلوه انسان-درخت با عنصر اولیه خود یعنی خاک. دانش‌آموزانی که دارای ماهیت عنصری غیر خاک بودند، اغلب عنصر خود را در پیوند خاک پررنگ‌تر تصویر کرده بودند.

خاک پاک‌کننده

در فرهنگ اسلامی خاک مقدس و پاک‌کننده است و البته خاکی که از نجاسات و آلودگی‌ها پاک و مبرا باشد. خاک تربت (مزار قدیسیان) از این نوع خاک است. البته در نظر عام دوگانه است، یعنی خاصیت شفا دهندگی و زنده بودن دارد. آمدن عید و بهار جدای از بشارت‌دهندگی، زندگی‌بخشی و تولد دوباره طبیعت نو شدنی دوباره و پاک‌کننده برای انسان دارد، زیرا با رسیدن بهار همه در تکاپوی پاکیزگی و زیبایی مجدد محیط زندگی خود هستند. این نو شدن لوازم و لباس‌ها و ... نوعی رستخیز انسانی هم هست. در این شعر دنیا در مفهوم کره زمین و خاک آمده است. عنصر خاک با جلوه خانه و دنیا خود را نشان داده است. هردو فضایی محدود دارند. یکی به معنای کره زمین و دیگری محیط امن خانه هردو از آلودگی پاکیزه می‌شوند و وقتی بهار (عید) بیاید، بو (نسیم) معطر گل‌ها و پاکیزگی) همه‌جا را بهتر و قشنگ‌تر می‌کند.

جدول ۱۳- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر خانه تکانی

نام شعر: خانه تکانی	نشانه‌ها	حرکت و پویایی	فضاسازی	ماهیت عنصری
باز دوباره عید می‌آید/خونه تکانی داریم هرچی که توی خونه است برمی‌داریم پاک می‌کنیم باز سر جاش می‌ذاریم خونه ما ناز میشه خوب بوده بهتر میشه دنیا هم از بوی عید خیلی قشنگ‌تر میشه	عید/خانه هرچی/پاکی سرجا ناز/خوب دنیا بوی عید قشنگ‌تر	آمدن/تکاندن بودن برداشتن پاک کردن ناز شدن خوب بودن بهتر شدن قشنگ‌تر شدن	محدود: خانه تکانی توی خونه سرجاش	خاک پاک‌کننده خانه/عید (بهار) دنیا دیگر عناصر: باد نشاط‌آفرین و بشارت‌دهنده بوی عید

باز هم بازتاب مناظر بهاری و آمدن عید و نمادهای نوروز و تجدید سال در تصاویر دانش‌آموزان. واژه عید تقلاي ذهن بود برای یادآوری شنیده‌ها و دیده‌های کودکان آن‌ها. در دنیای تخیلی آن‌ها اثرگذارترین چیزها (نمادها) جلوه‌گری کرد و به تصویر آمد. نشان دادن شست‌وشو و پاک کردن وسایل قسمت جالب تصاویر آنان بود. در واکنش کهن الگوی رستخیز طبیعت هرکدام با یک یا چند ماهیت عنصری خودآشنایی دنیای خیالی خود را کردند. دانش‌آموزی مادرش را در حال جارو کردن کشید و خودش مشغول تمیز کردن شیشه بود (بازتاب تخیلی عنصر خاک). دانش‌آموزی مادر و پدر را در حین شستن فرش با آب زیاد شیر کشید (پیوند خاک و آب). یکی از دانش‌آموزان پسر منظره‌ای زمستانی کشید که روی سیم برق چند پرندۀ نشسته بودند (آب و باد) (ماهیت غیر عنصری با خاک).

خاک کیفری (ویرانگر/عذاب‌دهنده)

زلزله، خشکسالی، رانش همه ماهیت کیفری خاک (زمین) هستند. می‌توان حمله حیوانات، مرگ‌ومیر بر اثر برخی بیماری‌های خاکی چون جذام و کزاز و ... نیز ریشه در ماهیت کیفری خاک دارند. تقریباً هیچ‌کدام از این موارد در شعر دو شاعر با توجه به وقوع برخی از آن‌ها و از بین رفتن تعدادی از کودکان نمودی ندارد. خشکسالی نیز در بعد خاک دوگانه رشد همراه با رشد دوباره طبیعت آمده است و به‌عنوان روی‌گردانی عذاب‌آور خاک نیست.

جنگ که جزو وقایع زمینی و کیفری است، در شعر هردو شاعر و البته در گروه ج و د بازتاب دارد. در شعر گروه ج رحماندوست به جنگ و عواقب آن اشاره داشته و با ماهیت دوگانه‌ای آن را بشارت‌دهنده و امیدبخش می‌نمایاند. «شهادت» و «شهید» و «خون شهید» که تقریباً در تمام ملت‌ها مقدسند، ماهیت بشارت‌دهندگی به آن داده است. «... خورشید می‌درخشد از لوله تفنگت/روییده

بوته نور از خون لاله رنگت...» (رزمنده مسلمان/چشمه نور)، «... هرگز نمی‌میرد/زیرا شهید است او/فردای دنیا را/نور امید است او/...» (او: همان)، اما قیامت واقع‌ای کیفری و آشکارکننده برای زمین و همه جهان است و ماهیتی تخیلی دارد (به دور از بعد اعتقادی-دینی آن). دنیایی به‌جز دنیای زمینی از بحث‌برانگیزترین موضوعات دینی و غیردینی بوده است. دنیای مردگان (برزخ)، زمان و مکان قیامت، جهان باقی با دو جلوه بهشت و دوزخ و دنیای ما بین آن دو. بازتاب تخیلی تمام این دنیاهای فراواقعی در متون کهن اقوام و ادیان باستانی و نیز در اشعار و آثار تا امروز جلوه‌گرند و هر صاحب اثری بنابه قدرت تخیل و میزان یقین خود تصویرسازی از آن‌ها داشته است. صورخیال فراوانی از این دنیاهای ساخته شده است و نمادگویی آن در رستاخیز طبیعت آشکار است.

- با جلوه رستاخیز

یکی از ابزار انتقال برخی اعتقادات عرفی و شرعی شعر کودکانه است، زیرا کودک با خواندن و یا شنیدن شعر از محتوای آن پرس‌وجو می‌کند و پاسخ به این پرسش‌ها گستره اعتقادی او را تنظیم می‌کند. رحماندوست به‌جز پردازش به موضوع رستاخیز طبیعت در برخی اشعار خود به‌طور مستقیم به قیامت و ماهیت انتزاعی آن با استعاره از طبیعت می‌پردازد. یکی از این اشعار برای گروه سنی ج و د سروده شده است. البته درک مفهوم آن برای کودک و حتی نوجوان تا حدودی سخت است. نام «بهار قیامت» دارای ماهیت خاکی است، اما عنصر غالب شعر «باد ویرانگر» است. خاک (زمین) با جلوه برگ درختان و گل‌ها ماهیت کیفری به خود می‌گیرد و در عذاب می‌افتد. غذایی که نوعی آزمون برای فراخوان بهار است (تجلی مفهوم خدای قاهر و منتقم و تجلی مفاهیم معنایی آن).

جدول ۱۴- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر تصویر یک لبخند

ماهیت عنصری	فضاسازی	حرکت و پویایی	نشانه‌ها	نام شعر: بهار قیامت
خاک دوگانه (ویرانگر/زندگی‌بخش) دیگر عناصر: - باد ویرانگر با جلوه غرش باد باد سرسخت ... آهنگ مرگ	محدود: فضای درختان پاییزی (باغ/یاده رو/جنگل) بهار نامحدود: برگ‌ها بهار قیامت/مردن	وزیدن ریختن لرزیدن زمین‌گیر شدن زرد شدن مرده شدن آهنگ مرگ داشتن تازه و زنده گشتن مردن/آمدن قیامت	باد/پاییز برگ‌ها/شاخه برگ مغرور برگ زیبا مرده/سبزی خش‌خش پاهای ناله ... فصل پاییز قیامت	می‌وزد باد سرسخت پاییز برگ‌ها ریزد از شاخه بر زیر شاخه می‌لرزد از غرش باد برگ مغرور گشته زمین‌گیر برگ زیبا و سرسبز دیروز این زمان زرد و زشت است و مرده بر رخس سبزی و خرمی نیست ... فصل پاییز ما مردن ماست تا بیاید بهار قیامت

این شعر برای تعدادی از دانش‌آموزان گروه ج خوانده شد و تأثیر دلهره و ترس در آنان مشاهده گردید. تعداد زیادی فقط پاییز و برگ‌ریزان را کشیدند. البته برگ‌های آن زشت، فسرده و مردنی نبودند. روی زمین اغلب برگ‌های زیادی بود و کودکان در آن مشغول بازی بودند. یکی تصویری از عالم دیگر کشیده بود؛ او دوزخ و بهشت همراه با ترس خود را در شعله‌های آتش و ابرهای سیاه و تیره نشان داده بود (مفهوم خدای منتقم). دو نفر از دانش‌آموزان کاملاً مرگ را لمس کرده بودند، با بازتاب قبر در یک تصویر منظره بهاری کشیده شده بود و در زیر درختان تنومند و سبز دو قبر کشیده بود که پرنده‌هایی بالای یکی از آن‌هاست و گفت این روح مرده است که بالای سرش می‌آید تنها نباشد (تفکری خلاقانه-کهن الگوی حیات مجدد و روح). او پرنده‌ای دیگر در خارج کادر کشیده بود که وقتی خواستیم آن را داخل کادر بکشیم، گریه کرد و توضیحی برای این عمل خود نداد (تفکر انتقادی) (بازتاب مفهوم مرگ در ذهن او).

- با جلوه مرگ

مرگ بخش جدایی‌ناپذیر زندگی انسان و همه موجودات است. تولد، زندگی، مرگ و بازتولد قانون طبیعت است و نمی‌توان آن را کیفر و یا نابودی کامل انگاشت، اما در بعد کیفری نوعی نیستی و فرو رفتن است. تولد دوباره در طبیعت بدان معنا نیست که همان برگ گذشته مجدداً به حیات برمی‌گردد، بلکه شکلی جدید از برگ است. مرگ اندوه و حزن و تنهایی اطرافیان را به همراه دارد و هیچ راهی برای بازگرداندن و زنده شدن دوباره انسان و حیوان در این دنیا نیست. روح او به برزخ می‌رود و جسم او در زیر خاک پوسیده و به طبیعت بازمی‌گردد. رحماندوست در شعر زیر اندوه از دست دادن مادر را با بازتاب تخیلی عناصر اربعه به‌ویژه خاک تصویر کرده است (مرگ از مفاهیم اصلی تجلی قدرت و حضور خداست، آیات بی‌شماری درباره مرگ و زنده کردن مجدد در قرآن است. داستان ابراهیم و پزندگان، داستان عزیز و ...).

جدول ۱۵- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر نوشتم دوستت دارم

ماهیت عنصری	فضاسازی	حرکت و پویایی	نشانه‌ها	نام شعر: نوشتم دوستت دارم
خاک نابودشونده	محدود:	تراشیدن	مداد	مدادم را تراشیدم
مادر در حال مرگ	حساب ما	نوشتن/آسان بودن	آب	نوشتم: آب، بابا، نان//نوشتم دوستت دارم
دیگر عناصر:	به روی	دوست داشتن	بابا/نان	تو را، بسیار، مادرجان
آب زندگی‌بخش	امشب	مهمان شدن	مادرجان	... حساب ما چه آسان است
آب (بابا/نان)	دودست	دیدن/خوش نبودن	حساب ما	...نوشتم: سیب، سینی، باد/
آب ویرانگر/ابر/مه	از دست	داشتن/لرزیدن	...سینی/باد	دو دست مادرم لرزید/سید از دست او افتاد!
باد ویرانگر باد/لرزیدن		افتادن	دودست	

مرگ برای کودکان ترسی توأم با وحشت ناشناخته دارد و این وحشت اکتسابی است، زیرا او هیچ ذهنیتی جز شنیده‌ها و دیده‌ها ندارد، اما نبودن هر چیزی را به مرگ تشبیه می‌کند. در تصاویر کودکان ۷-۸ ساله و بعضاً ۹ ساله مرگ معنایی غیرعینی‌تر داشت. در تصاویر کودکان کمی بزرگ‌تر تا حدودی چهره مرگ بروز داده شد. البته در ظاهر هیچ‌کدام از دانش‌آموزان جز دو دانش‌آموز دختر و سه دانش‌آموز پسر به مرگ مادر اشاره نکردند و متوجه آن نشدند. یکی مادر را در حال شست‌وشو کشید، در حالی که خودش داشت سیب می‌خورد (ماهیت زندگی‌بخشی خاک)، اما همه به نوعی فضای اندوه را در شعر احساس کرده بودند (رابطه عاطفی با شاعر). یکی از دانش‌آموزان سینی پر از سیبی در کنار مادری مرده کشید. یکی دیگر مادری را کشید که با باد در بالای ابرها بود (تفکر خلاق و اندیشه پرواز روح). یکی با شعر ارتباط برقرار نکرد و گفت بقیه را نشمرده است؟ (تفکر انتقادی توأم با هوش ریاضی/ توجه به آموزش اعداد در ضمن شعر)

خاک انتزاعی (خواب/فرشته/بهشت/دیو و پری و ...)

خاک در اشعار با دو رویکرد عینی و انتزاعی و جلوه‌های آن بازتاب دارد. هرآنچه که در دنیای واقعی و عینی نباشد در دنیای خیالی و انتزاعی هست و هر دو رویکرد برای ذهن بشر قابل درک است، حتی اگر نتواند تصویر مشخص و یا توضیحی علمی برای آن داشته باشد. هیچ نمود واقعی از فرشته در دنیای انسان‌ها نیست. توصیف فرشته در کتب مقدس ادیان مختلف آورده شده است. اغلب دارای تعدد بال است، جنسیت ندارد، زیباست، از نور خلق شده و قادر به انجام برخی کارهای فوق بشری به امر خالقش است. در تصویر ذهنی بشر همین فرشته جایگاه و رتبه خاصی دارد. می‌داند چیست، اما نمی‌داند چگونه است. کودکان نیز اینگونه تداعی فکری را به ودیعه گرفته‌اند. تصاویر ذهنی آنان از موجودات خیالی تقریباً دارای یک ماهیت شنیداری است.

- با جلوه خواب (بازتاب دنیای مثالی و انتزاعی)

فرشتگان و موجودات آسمانی به همان اندازه ذهن کودک و بزرگسال را مشغول می‌دارند که موجودات افسانه‌ای و زیرزمینی. نام فرشتگان و وجود آن‌ها در کتب آسمانی بارها آمده است و در ادیان باستان به‌عنوان الهه‌ها و یاوران خدایان حضور داشته‌اند. در دنیای افسانه‌ها که ردپایی از واقعیت در آن‌ها هست، پری‌هایی وجود دارند با انواع ماهیت عنصری زمینی، هوایی، آتشی و آبی و برخی ماهیت دوگانه دارند. شیطان فرشته‌ای بود با ماهیت آتش در پیوند باد و اکنون دارای ماهیت خاک و آتش است. گرچه در بعد تخیلی همه این موجودات ماهیت سیالی و پرواز دارند و دارای عنصر باد هستند. خواب و دنیای اسرارآمیز آن نیز چنین ماهیتی را دارد. به همین دلیل رحماندوست او را به مهمانی آسمانی تشبیه می‌کند که برای آرامش و راحتی کودک به زمین چشمان او می‌آید.

جدول ۱۶- بازتاب تخیلی عنصر خاک در شعر فرشته خواب

نام شعر: فرشته خواب	نشانه‌ها	حرکت و پویایی	فضاسازی	ماهیت عنصری
خسته بودم حسابی	خسته	خسته بودن	محدود:	خاک انتزاعی
خوابم گرفت چه خوابی	خواب	خواب گرفتن	دور و بر	(دو گانه)
فرشته خواب تو هوا	فرشته/هوا	چرخیدن	خونه ما	با جلوه خواب
می‌چرخید دور و بر	دور و بر	پر زدن	تو قاب	فرشته خواب و خانه و پنجره و دیگر عناصر:
... مهمون چشمونم شد	خانه/پر	مهمان شدن	پنجره‌ها	باد معنایی/فرشته، هوا، پر
تو قاب چشمان نشست	مهمان/چشمان	نشستن	نامحدود:	آتش معنایی: چشمان
پنجره‌ها رو زود بست	قاب پنجره‌ها	بستن	تو هوا	

دانش‌آموزان دنیای خیالی را باور دارند، اما تصویری واضح جز دریافت‌های شنیداری و توصیفی ندارند. فرشته موجودی خیالی است که وجود و عدمش بستگی به نوع نگرش انسان به آن دارد (به دور از اعتقادات دینی). تعداد زیادی بلافاصله فرشته خواب را کشیدند؛ حتی برخی خود را در کنار او و در آسمان نمایش دادند (تفکر خلاقانه). انجام آرزوی پرواز و کنجکاوای در دنیاهای ناشناخته برای کودکان بسیار راحت است. آن‌ها به راحتی با فرشته و خواب ارتباط برقرار کردند. یکی خودش را بالای ابرها در بهشت با فرشته‌ها کشید (تفکری خلاقانه با بازتاب کهن الگوی بازگشت). جالب اینکه جز چند دانش‌آموز هیچ‌کس به خواب نپرداخته بود، بلکه حضور فرشته و پرواز آن‌ها را سرگرم کرده بود. برخی فرشته خواب را بر روی درختان کشیده بودند. برخی کنار پنجره و برخی درون خانه، در هر صورت فرشته را می‌دیدند. نکته جالب‌تر اینکه یک ترس پنهان از این فرشته در درون تعدادی از دانش‌آموزان بود، چون خودشان در تصویر حضور نداشتند. سؤالات برخی درباره فرشته‌ها نوعی تفکر انتقادی را در آن‌ها برانگیخته بود. تنها یک دانش‌آموز بود که با جدیت از کشیدن فرشته خودداری کرد و گفت: این‌ها همه دروغ است (واکنش دفاعی و نقد انکاری) (پیشینه ذهنی از دریافت خانواده!).

تقریباً در بیشتر شعرهای رحماندوست یا دنیای خواب و یا ترکیبات خواب یافت می‌شود. «آب/آبی آرام و خواب/قصا پیوسته پویندگی است...» (چشمه نورافصه پویندگی)، «... اگر از وحشت و تنهایی و درد/نمی‌آید به چشم خسته‌ات خواب...» (همان: پنهان جز خدای مهربان نیست)، «... دومی خوابش می‌ومد/لا لا کرد...» (بازی با انگشت‌ها/چندتا مرغ و...).

- با جلوه قیامت و مرگ (هدساردهنده/کیفری و بشارت‌دهندگی)

قیامت و مرگ دو واژه‌ای هستند که انسان از همان کودکی با آن‌ها آشنا می‌شود و درباره آن‌ها شناختی انتزاعی پیدا می‌کند. مرگ برای کودکان نوعی تنبیه است که اگر کار اشتباه انجام دهند، مثلاً دست‌هایشان را نشویند و غذا نخورند، بیمار شده و اگر بهبود نیابند، خواهند مرد. پیری و مرگ، ماشین، جاده، تصادف و مرگ، افتادن و مرگ و... همه تصاویری ذهنی است که کودکان با آن مواجه شده و در هرآسی درونی از آن به‌سر می‌برند، اما آنچه در برون داد تصاویر خود از مرگ نشان می‌دهند، تنها بازتاب قبر

است. قبر و گور یک نماد خاکی، درونی و مأمّن است و همه از مفاهیم خداوند.

قیامت جزو واژگان دوگانه زمانی و مکانی است. روزی که همه چیز نابود می‌شود و سپس دوباره ساخته می‌شود و هرکس در آن روز نتیجه کار خود را مشاهده می‌کند. این واژه مرتبط با عنصر خاک است، اما چون پدیدآورنده آن باد سرسخت است، باد در پیوند آن است. قیامت برای دانش‌آموزان تصویری انتزاعی است، البته این نگرش در بزرگ‌ترها، در سایه ایمان قلبی، دارای ماهیتی درونی است. رحماندوست در چندین شعر به پاییز طبیعت و رستاخیز آن می‌پردازد، اما در همه آن‌ها مژده نیکو شدن احوال و آمدن بهار را می‌دهد. با توجه به بعد اعتقادی‌اش انسان خوب اعمال خوب دارد و نتیجه خوب هم دریافت می‌کند. در شعر بهار قیامت که برای گروه سنی ج و د سروده، قیامت را به بهار تشبیه کرده است تا ذهن کودک از واژه دائمی این روز دور شده و مرگ را پایان همه چیز نداند و امیدش به بهار قیامت و رحمت خداوند باشد.

جدول ۱۷- بازتاب تخیلی عناصر اربعه در شعر بهار قیامت

ماهیت عنصری	فضاسازی	حرکت و پویایی	نشانه‌ها	نام شعر: بهار قیامت
باد ویرانگر	محدود:	وزیدن	باد/پاییز	می‌وزد باد سرسخت پاییز
با جلوه غرش باد	فضا/درختان پاییزی	ریختن/لرزیدن	برگ‌ها/شاخه	برگ‌ها ریزد از شاخه بر زیر
... آهنگ مرگ	(باغ/پیاده‌رو/جنگل)	زمین‌گیر شدن	برگ مغرور	شاخه می‌لرزد از غرش باد
دیگر عناصر:	نامحدود:	زرد شدن مرده شدن	برگ زیبا	برگ مغرور گشته زمین‌گیر...
خاک دوگانه	برگ‌ها/پایا	آهنگ مرگ داشتن	مرده/سبزی	... چون بهار آید از ره دوباره
(ویرانگر/زندگی‌بخش)	بهار قیامت	تازه و زنده گشتن	... تازه/درخت	برگ‌ها زنده و تازه گردد ...
آب هشداردهنده		مردن	بلبل/فصل پاییز/قیامت	فصل پاییز ما مردن ماست
رود خاموش		آمدن قیامت		تا بیاید بهار قیامت

واکنش دانش‌آموزان به این شعر بازتابی هراس‌آلود و دفاعی بود. اغلب در تصاویر آن‌ها گور و یا گورستان جلوه‌گر شد (تمایل به مأمّن). فصل پاییز و برگ‌ریزان و باد در تصاویر بیشتر آن‌ها جلوه داشت. یکی از دانش‌آموزان تصویر قیامت را کشیده بود و آتش و عذابی که انسان‌ها دچار آن می‌شوند (بنا به شنیده‌ها و دانسته‌ها) و تنها دو دانش‌آموز هیچ برون‌دادی از عناصر کیفی نداشتند و تصویری بهاری را کشیده بودند.

نتیجه‌گیری

کودکان با توجه به اینکه ذهنی خالی از درگیری‌های روزمره زندگی دارند و به فطرت الهی خود نزدیک‌ترند، با طبیعت انس بیشتری دارند. آن‌ها مفهوم خدا را جدای از ذات جست‌وجوگر خود در کلام و رفتار اطراف و اطرافیان خود پیدا می‌کنند و می‌توانند تمام دریافت‌های خود از مفاهیم انتزاعی را در تصاویر خود زنده کنند. باید در نظر داشت برای بیان مفاهیم اعتقادی و مفهوم خداوند در شعر کودکان نه تنها باید از فرهنگ و عقیده خود کودکان بلکه از تمثیل‌های مناسب قابل لمس برای آن‌ها استفاده شود. شعرها دارای بسامد بالایی از مفاهیم گسترده خدا با بازتاب گسترده در عناصر طبیعت هستند. شاعر کودک، جهان پیرامون را در شعر خود زنده و پویا ترسیم می‌کند. بستر شعر کودک جایگاه ارزنده‌ای برای ترویج مفاهیم خدا و ارزش‌های معنایی است. شاعر باید به این نکته توجه داشته باشد که اشاعه معناگرایی و درک جلوه‌های مختلف مفهوم خدا در عناصر طبیعت می‌تواند در تربیت و پرورش روح معناگرا و آرمان‌های انسانی کودکان بهترین کمک و راهنمایی باشد. کودکان از نظر سن و استعداد و محیط زندگی در یک سطح نیستند، از این رو لازم است نویسندگان، شاعران، والدین و مربیان با در نظر گرفتن این مهم روشی غیرمستقیم برای آموزش مفهوم خدا و دیگر مفاهیم اعتقادی به کودکان داشته باشند. شاعر کودک می‌تواند با تجربه، درک و مطالعه خود از گستره

بازتاب‌های مختلف عناصر طبیعی و کاربرد خلاقانه آن‌ها در شعر رابطه کودک را با خدا سهل‌تر و قابل‌درک‌تر نماید. با مطالعه اشعار کودکان می‌توان دریافت که بازتاب مفهوم خدا و دیگر مفاهیم ارزشی با استفاده از عناصر طبیعی آگاهانه و ناآگاهانه بسامد بالایی دارد. مصطفی رحماندوست در شعر خود توانسته است مفهوم خدا و دیگر مفاهیم اعتقادی را با بیشترین کاربرد در تصویرسازی و جلوه‌های عناصر اربعه به‌ویژه «عنصر خاک» ارائه دهد. اینگونه پژوهش‌ها و نگاه دقیق به عناصر طبیعی می‌تواند روشی نو و کاربردی برای خانواده‌ها، خالقان اثر و مربیان باشد تا بتوانند مسائل و موضوعات انتزاعی معنوی را با رویکردی تازه به کودکان آموزش دهند. شاعران کودک امروزه ناگزیرند با زبان و بیان دیگری از خدا برای کودکان سخن بگویند.

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۸۳). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. قم: مشرقین.
- ابراهیمی، جعفر. (۱۳۸۱). وقتی سایه‌ها سنگ می‌شوند. تهران: سوره مهر.
- باوکر، جان. (۱۳۸۱). مفهوم خدا. ترجمه عذرا لوعلیان. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- باهنر، ناصر. (۱۳۷۸). آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌المللی سازمان تبلیغات اسلامی.
- حاجی نصرالله، شکوه. «چگونگی طرح مفاهیم انتزاعی در ادبیات کودک». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. تابستان. ۱۳۸۴.
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۲). معصومیت و تجربه درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک. تهران: نشر مرکز.
- دادستان، پریدخت. (۱۳۸۱). «دین و تحول شناخت». مجله علوم روانشناختی. صص ۱۲۹-۱۲۲.
- _____ و همکاران. (۱۳۸۹). «قصه‌گویی و تحول مفهوم خدا در کودکان ایرانی و لبنانی». روانشناسان ایرانی. سال ۶. ش ۲۴.
- رحماندوست، مصطفی. (۱۳۶۹). کوچه‌های آبی. تهران: محراب قلم.
- _____ . (۱۳۷۷). باغ مهربان بهار. تهران: چاپ مدرسه.
- _____ . (۱۳۷۸). بابا آمد نان آورد. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ . (۱۳۷۹). گل لبخند و سلام. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ . (۱۳۸۰). صد دانه یا قوت. چ دوم ۱۳۶۸. تهران: محراب قلم.
- _____ . (۱۳۸۱). دوستی شیرین است. تهران: شهدادی، چاپ مدرسه.
- _____ . (۱۳۸۴). بازی‌های پنج انگشت الف، ب. تهران: چاپ مدرسه.
- _____ . (۱۳۸۹). کاش حرفی بزنی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ . (۱۳۹۱). دوستی شیرین است. اصفهان: انتشارات مدرسه.
- _____ . (۱۳۹۱). مجموعه اشعار نیایش. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ . (۱۳۹۱). نوشتن دوست دارم. تهران: انتشارات مدرسه.
- عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۸۱). «خدا در اندیشه غرب». رشته اینترنتی درگاه پاسخگویی به سوالات دینی. ش ۱۴۱.
- کاشفی خوانساری، سیدعلی. (۱۳۸۷). تاریخ ادبیات دینی کودک و نوجوان. تهران: حوا.
- کاموسی، مهدی. (۱۳۸۴). «پرسش‌های بنیادین در ادبیات کودک». کتاب ماه کودک و نوجوان. سال ۸. ش ۱۱.
- کریمی، عبد العظیم. (۱۳۸۲). نکته‌های روانشناختی در تربیت دینی فرزندان (نماز و خانواده). تهران.
- _____ . (۱۳۸۶). «بررسی تفکر شهودی در کودکان». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. ش ۱۰. پاییز.
- کلانتری، مهرداد. (۱۳۸۳). «دین و سلامت روان». بازتاب. ۱۰. صص ۲۱-۱۷.
- معتمد، فرزانه و همکاران. «مراحل تحول معنوی و درک مفهوم خدا در کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۴ ساله». مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی علوم تربیتی و آموزش و پرورش. سال دوم. ۱۳۹۸. ش ۱۳. تابستان.

- موحّد، مجید و صفّا، مینا. «رویکردی جامعه‌شناختی به مفهوم خدا». فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت. ۱۳۸۸. دانشگاه شهیددیهشتی، زمستان.
- نادری، عزت‌الله و سیف نراقی، مریم. (۱۳۷۲). «چگونگی پاسخ‌گویی کودکان ۱۲-۳ ساله تهرانی به سؤالاتی درباره مفهوم خدا». فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی. ۱. ۳۶.
- نوذری، محمود و همکاران. (۱۳۹۱). مجله روانشناسی و دین. سال پنجم. ش ۴. صص ۲۲-۵.
- همت‌یار، علی. (۱۳۸۱). تربیت مذهبی کودکان، نماز و درس‌های خانواده. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۳). روانشناسی و شرق. ترجمه لطیف صدقیانی. تهران: جامی.

دوفصلنامه
پژوهش در ادبیات کودک و نوجوان